چهار عضو کانون وکلا در گفت‌وگو با «شرق» وضعیت وکلای تبصره ماده ۴۸ را بررسی کردند

تحدید حق

سامان موحدی‌راد: هفتم شهریور ۱۳۹۸ حجت‌الاسلام محمد مصدق، معاون حقوقی قوه قضائیه، وقتی در مراسم تحلیف ۲۴۵ نفر از کارآموزان وکالت که در محل دانشگاه الزهرا(س) سخنرانی می‌کرد، به یک تبصره در آیین دادرسی کیفری ایران هم اشاره کرد و گفت این «تبصره ماده ۴۸ تنگی برای قانون بود. من آن زمان سمتی نداشتم، تلاش کردم، ولی به ثمر نرسید». تبصره ماده ۴۸ آئین دادرسی کیفری می‌گوید: «در جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرائم سازمان‌یافته که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه‌قضائیه باشد، انتخاب می‌نمایند. اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه‌قضائیه اعلام می‌گردد». این تبصره از سال ۱۳۹۴ به آیین دادرسی کیفری ایران اضافه شد. خیلی‌ها معتقدند این تبصره حاصل نگاه رئیس وقت قوه قضائیه و نتیجه برگزاری دادگاه‌های حوادث سال ۱۳۸۸ بود. همان‌طورکه در بالا هم اشاره کردیم، معاون قوه در زمان ریاست‌های بعدی از مخالفان این تبصره بودند و حتـی در مجلس هم تلاش‌هایی برای اصلاح آن صورت گرفت؛ نتیجه این شـد که این روزها و در پی اعتراضـات اخیر در ایران تعداد زیادی پرونده مشمول این تبصره شـدند و وکلای زیادی حق دفاع از موکلانشان را پیدا نکردند. به همین منظور تلاش کردیم در «شرق» و در میزگردی با حضور چهار نفر از وکلای کانون وکلا این تبصره و تأثیرش بر سرنوشت موکلان، نسبتش با دادرسی عادلانه و تأثیرش در برقراری عدالت را بررسی کنیم. برای همین از آقایان مهدی ناجی‌زواره، سیدمهدی حجتی، صالح نقره‌کار و امیررئیسیان دعوت کردیم تا در گفت‌وگویی به موضوع تبصره ماده ۴۸ بپردازند. آنچه می‌خوانید گزارش این نشست دوساعته در دفتر روزنامه «شرق» است.

◆ وجود چنین تبصره‌ای اساسا پیشتوانه‌ای علمی در حقوق دارد؟

مهدی ناجی‌زواره: من معلم آیین دادرسـی کیفری هستم و این موضوع مرتبط با کار علمی من اسـت. شـاید دلیلی هم که شما من را برای حضور در این میزگرد و در کنار سـایر همکاران انتخاب کردید، همین باشـد که شـاید نـگاه من با نگاه دوسـتانی که کار عملی صرف انجام می‌دهند، متفاوت باشـد. نظر من این است کـه انگیزه قانون‌گذار از وضع تبصره ماده ۴۸ تحدیـد حق دفاع متهم نبود؛ بلکه منجر به تحدید حق دفاع به متهم شـده است. یعنی چه؟ یعنی اینکه قانون‌گذار یک نگاه نامعتدنانه نسـبت به صنف و قشـر وکلا دارد و می‌خواسـته وکیل مورد اعتمـاد خود را وارد این دو دسـته از پرونده‌ها بکنـد؛ پرونده‌های مرتبط با جرائم علیـه امنیت داخلـی و خارجی و پرونده‌هـای مرتبط با جرائم سـازمان‌یافته که مشمول مجازات ماده ۳۰۲ می‌شود. پس قانون‌گذار می‌گوید که نگاه من به صنف وکلا در ایران نامعتدنانه اسـت و در این دو دسـته از جرائم باید وکیلی که مورد اعتمـاد من اسـت، وکالت کند. این به حق دفاع متهم صدمه زده اسـت. قانون‌گذار هدفـش این نبوده که حق دفاع متهم را محدود بکنـد. چرا؟ چون در زمینه‌های دیگر قانون‌گذار هدفش بر تحدید حق دفاع متهم باشـد. مثلا برای اولین‌بار در نظام دادرسـی کیفری ایران در سـال ۱۳۹۲ و در مرحله تحقیقات مقدماتی و برای جرائم سـلب حیات، جرائم مستوجب حبس ابد و اعدام، پیش‌بینی شده که وکیل مبتدی تسـخیری داشـته باشـد. پس قانون‌گذاری که یک نگاهش این است که متهم در مرحله تحقیقات مقدماتی وکیل تسـخیری داشته باشد، نمی‌تواند از همه کشـورهای دنیا یا جرائم امنیتی چنین برخورد می‌شـود و همه کشـورها حیاط خلوتی در این زمینه دارند؛ اما این حیاط خلوت نباید به شـهر حیاط تبدیل شود. نباید دامنه آن گسترش پیدا کند.

سیدمهدی حجتی: اگر بخواهیم واقع‌بینانه به مسئله نگاه کنیم، قوه قضائیه با معدودی از وکلا که شاید در آن زمان تعدادشان به ۳۰ نفر هم نمی‌رسید، مشکلاتی داشتند. مثلا این وکلا با رئیس‌های یگانه مصاحبه می‌کردند. این مسئله موجب شـد که آنها تخصیص به اکثر بدهند و لیسـتی از وکلای موردِاعتماد خودشان را بسـازند. من اصلا کار به درست و غلط ماجرا در اینجا ندارم ولی می‌خواهم بگویم اگر شـما دسـترسـی برخی وکلا به مقام بوده را به مصلحـت نمی‌دانید، بیایید و همـان وکلا را محدود کنید. چرا همـه وکلا را محدود می‌کنید؟ فلسـفه وضع این ماده با توجه به مذاکرات مجلس در آن زمان این بود که چرا ما باید به وکیلی دسترسی به پرونده‌های امنیتی یا جرائم سازمان‌یافته بعد از اتمام تحقیقات بدهیم؟ بی‌بی‌سی، وی‌او‌ای و... مصاحبه می‌کند. به این واسطه ما دایریح حق را از متهم سـلب می‌کنیم؟ چرا وکیل باید موردِاعتماد متهم باشـد. نـه و قطعا خیر. الان شـما دارید من را محاکمه می‌کنید و من از حق داشتن وکیل برخوردارم. آن را هم محدود کنیم به وکیلی که تو انتخاب می‌کنی؟ ما اصلی داریم به اسم اصل برابری سلاح‌ها در اداری کیفری که می‌گوید متهم و مدعی حق تقابل دیدن با سلاح‌های برابری در فرایند دفاع آماده‌شده کند. خوب عـده جرائمی که دیلن این تبصره در حال بررسی اسـت، جرائمی اسـت که حاکمیت حقوب دعواسـت. این چنین است که حاکمیت طرف دعوا می‌شـود. حاکمیت مظلم محاکمه‌کننده است و حاکمیت ناصب وکیل هم هست. خوب به‌این‌صورت چیزی برای متهم باقی نمی‌ماند که از حق دفاع کند. باین‌ترتیب به‌راحتی حقوق متهم سلب می‌شود.

◆ از آنجایی که به موجب این تبصـره حقوق متهم محدود می‌شـود، آیا متهم می‌تواند از پذیرش وکیل تحمیلی سـر باز بزند و بعد به دنبال اسـتیفای حقوقش باشد؟

مهدی ناجی‌زواره: در بیشـتر جاها متهم حق دارد که وکیل داشـته باشـد. بعضی جاها حق و تکلیف هرا‌ی اگـر خـودش بگوید که وکیل نمی‌خواهم؛ اما تکلیف شـده که وکیل داشته باشـد. مثلا در پرونده‌های جرم علیه امنیت ملی یا جرایم مربوط به سـلب حیات برای متهم وکیل تسـخیری تعیین می‌کنند. لازم نیسـت خودش بگوید با نه. اگر بگوید نمی‌خواهم هم برایش وکیل تسخیری تعیین می‌کنند.

◆ درحال‌حاضر این تبصره تا چه میزان در فرایند دادرسـی در ایران به کارکرفته می‌شود؟

سـیدمهدی حجتـی: الان از این تبصره حتـی در مرحله دادگاه هم اسـتفاده می‌شـود؛ یعنی من خبر دارم که در دادگاه‌های انقلاب اصفهان و تهران موارد‌ی وجود دارد که وکلا رفتند اعلام وکالت کنند؛ این چوسـهائن در لیسـت وکلای تبصره ۴۸ نبود. حتی دادگاه رئیس‌کل تن‌بصره از پذیرش وکالت این وکلا امتناع کرد.

◆ مورد مشابهی در قانون دادرسی به چنین نگاه نامطمئنی به وکلا داشته باشد؟

مهـدی ناجی‌زواره: بله. ما فقط تبصـره ماده ۴۸ را نداریم. ماده ۶۲۵ را داریم که برای جرائم نیروهای مسـلح اسـت و شـرایط آن از این هم سفت و سـخت‌تر اسـت. آن‌هم دادسـرا و هم دادگاه را در اختیار وکلای اسـت. این حقی اسـت که صراحتا در اصل ۱۵۹ قانونی اساسی آمده و تصریح شده اسـت. ضمن اینکه در جرائمی که در تبصره ماده ۴۸ آمده، جرائمی اسـت که حاکمیت متصر از آن اسـت. به‌ویژه در قوه قضائیه علیه امنیت داخلی و خارجی متصر اصلی حاکمیت اسـت. تصاصر تبعی کـه متصر اصلیه امنیت داخلی و خارجی متصر اصلی حاکمیت حاکمیت است و تنها کسی که متهم می‌تواند به آن متوسل شود، وکیل است که اگر آن هم حاکمیتی باشد. دیگر چه بر سر متهم می‌آید.

◆ چرا در این تبصره از طرفین دعوا صحبت شـده؟ تکلیـف یک طرف دعوا مگر مشخص نیست؟

مهدی ناجی‌زواره: تبصره ماده ۴۸ نباید موجب شـود که ما فقط از متهم حرف بزنیـم؛ چـون این تبصره از اطراف دعوا حرف می‌زند. درسـت اسـت که در آیین دادرسـی کیفری تمرکز ما بیش از هر چیزی روی حقوق دفاعی متهم است؛ ولی از طرفین دعوا حرف می‌زنیم. اینکـه این ماده از طرفین دعوا حرف می‌زند، یعنی مسـیری را که قانون‌گذار رفته، درسـت طی نکرده؛ چون باید می‌گفت «متهم» و نباید می‌گفت طرفین دعوا؛ چون پرونده‌ها از جنسـی هستند که شاکی خصوصی ندارنـد یا اگر دارند، منافع آن در درجه اول اهمیت نیسـت؛ بنابراین باید می‌گفت «متهم» و نباید می‌گفت «طرفین دعوا». شاکی جرم علیه امنیت داخلی و خارجی دادستان است. عموما این جرائم شاکی خصوصی ندارند. جرم سازمان‌یافته‌ای که در تبصره ماده ۴۸ فقط دادسرا و مرحله تحقیقات مقدماتی می‌تواند وکلای تبصره ماده ۴۸ داشته باشد و در دادگاه باید وکلای خودشان را داشته باشند.

سـیدمهدی حجتی: در دادگاه ویژه روحانیت هم همین اسـت. در دادگاه ویژه روحانیت هم فقط باید وکلای مورد تأیید دادگاه ویژه روحانیت وکالت را برعهده بگیرند؛ یعنی هر وکیلی که نه، هر وکیل روحانی هم نه. بلکه فقط وکلای روحانـی مورد تأیید می‌توانند وکالت کنند. در این دادگاه همه جرائم را هم در نظر گرفته و فقط صحبت جرائم امنیتی نیست.

◆ آماری از تعداد وکلای تبصره ماده ۴۸ داریم؟ چه کسـانی هسـتند؟ چطورکسـی می‌فهمد کدام‌یک تبصرهٔ چطورکسـی ست یا متهم چگونه باید بفهمد وکیلی که گرفته شان در این فهرست هست یا نه؟

مهدی ناجی‌زواره: در آن سال‌های ابتدایی را خاطرم هست که حدود صد وکیل بودند و اسامی‌شان اعلام شد بود. وقتی شما به‌عنوان وکیل به شعبه‌ای می‌رفتید و پرونده‌ای مرتبط با این تبصره داشـتید، اسـمتان را می‌پرسـیدند و با فهرسـت مطابقت می‌دادند و اگر اسم‌تان در فهرست بود اجازه ورود می‌دادند.

◆ شیوه انتخاب این وکلا سازوکار مشخص دارد؟

سـیدمهدی حجتی: هیچ شـرط شـکلی ندارد. هیچ مدلی هم ندارد. اصلا اینکه من وکیل معتمد قوه قضائیه هسـتم تا چه زمانی معتبر است؟ من شش ماه مورد اعتماد قوه قضائیه هسـتم یا نه؟ شـاید من موردِاعتماد جقدر ایران هستم؟ دارد؟ اما مجدداً صلاحیت من به‌عنوان وکیل بررسی می‌شود؟ فرض کنید من مورد اعتمادم هستم و در دیدار بررسـی یک پرونده مسـهم و من کاری انجام می‌دهم که سـلب اعتماد می‌شـود. تکلیف وکیل و پرونده چیسـت؟ اینها موردی است که اصلا در قانون پیش‌بینی نشده است. اینکه این ماده عجولانه در مجلس تصویب شد.

◆ نسبت این تبصره با دادرسی عادلانه چیست؟

مهـدی ناجی‌زواره: تحدید حق دفاع، حق اسـت. وقتی تمامیت یک حق را از بین برنی شق حق کرده‌ای. یک زمانی اسـت که یـک حق را زایل می‌کنی و یک زمانی اسـت که تمامیت یک حق را زایل می‌کنی. در اینجا قانون‌گذار تمامیت حق دفاع متهم را زایل کرده اسـت. حق دفاع را زایل نکرده بلکه تمامیت آن را زایل کرده که نوعی نقض حق است.

◆ من تازگی‌ها دیدم که دولت قوه قضائیه اعلام کرده کانون وکلا وکیل معرفی کند تا تعداد وکلای تبصره ماده ۴۸ افزایش یابد. آیا اساسـا افزایش تعداد وکلای این ماده مشکلی را حل می‌کند؟

سیدمهدی حجتی: طبیعتا مشکل را حل نمی‌کند؛ چون بحث ما مبنایی است. اینکه متهم باید حق داشـته باشـد وکیل خودش را؛ این وکلایی که مورد اعتماد خودش هستند انتخاب کند. اصلا شما بگوید تعداد وکلا را زیاد کنند. به‌هرحال یک طرف ماجرا متهم اسـت و شـاید او نتواند به وکیلی که شما تأیید کرده‌اید، اعتماد کند. ضمن اینکـه از نظر زمانی هم اینکه وکیل پرونده مورد اعتماد قوه قضائیه اسـت روی ذهنیت متهم اثر می‌گذارد و شاید او را مجبر نکند که وکیل موردنظر قوه او را از دفاع درستی به او بدهد. کمااینکه نمونه‌هایی دفاعیاتی که وکلای تبصره ۴۸ انجام دادنـد و در تلویزیون و جاهای مختلف دیده شـد، از ذهنیت او ایجـاد کرد کـه این وکلای رد اینکه یک وکیل مورد اعتماد قوه باشـد انجام دهد. انجام نداده‌اند؛ چراکه وکلای تعیینی اکثرا با صلابت، اقتدار و گذاشتن وقت فراوان برای موکل‌شان دفاع می‌کنند. وقتی شما این سـابقه ذهنی را در مردم به وجود می‌آورید، طبیعی اسـت که در روند عملی هرچقدر هم تعداد وکلای تبصره ۴۸ را افزایش دهید، باز با ذهنیتی که زایل نکرده یا به جایی نمی‌برید؛ چراکه مردم حـسـنان این است که این وکلا یا کیفیت از متهمان دارند یا نه. این اشکال همان‌طورکه عرض کردم، اشـکالی مبنایی اسـت. یک نکته دیگر اینکه قوه قضائیه هم مدام می‌گوید ما با این تبصره مخالفیم. خب اگـر مخالفید چرا یک لایحه نمی‌دهید و تبصره ماده ۴۸ را حذف نمی‌کنید؛ به‌ویژه اینکه با ماده ۱۰۰ و ماده ۱۹۱ قانون آیین دادرسی کیفری که دادسرا می‌تواند قرار عدم دسترسی به پرونده صادر کند، اساسا نیازی به این تبصره نیست؛ به‌این‌ترتیب من به‌عنوان وکیل اعلام وکالت می‌کنم و با موکلـم ملاقات می‌کنم ولی از پرونده خبر ندارم که چـه اتفاقاتی در آن افتاده اسـت. کمااینکه دادسرا در زمینه ملاقات‌ها هم می‌تواند اتخاذ قدرت کند. حداقل این اسـتفاده از این اسـت که متهمی که در بازداشت به سـر می‌برد از نظر روانی این آرامش را دارد که من وکیلی دارم که منتخب خودم اسـت و بهترین تلاشـش را هم برای دفاع از من به عمل می‌آورد و حالا در چه مسیری با محدودیت‌هایی هم مواجه اسـت. به نظر من با این دو ماده‌ای که در قانون آیین دادرسی کیفری وجود دارد، بازیرس می‌تواند تا هروقت که بخواهد قرار عدم دسـترسـی را تمدید کند و دادگاه که به اسـم «قوانین حقوقی» — قرار داده کـه دیگر نمی‌تواند این قـرار عدم دسـترسـی طرفین به محتویات پرونده شود. وقتی می‌توانید به کمک این قرار مانع از دسترسـی وکیل به محتویات پرونده شود، دیگر نیازی نیسـت وکیل را منتخب و گزینشی کند. ضمن اینکه در مرحله تحقیقات مقدماتی، تحقیقات محرمانه اسـت؛ یعنی طرفین و اصحابی که در فرایند دادرسـی دخالت دارند حق افشـای اسـناد و اطلاعـات را ندارنـد. قانون‌گذار در ماده ۹۱ آمده و کسـی را که نقض این حق را انجام بدهد، جرم‌انگاری کـرده و او را مجازات می‌کنـد. کسـی که محرمانه‌بودن تحقیقـات مقدماتی را نقـض کند، مجرم اسـت؛ بنابراین جـرا دیگر وکیل منتخب نمیتین می‌کنید؟ هر وکیلی که باشـد، عدم افشـای اطلاعات در مرحله تحقیقات مقدماتی اجرائی دارد. شاید این سوال پیش بیاید که چرا قانون‌گذار فقط مرحله تحقیقات مقدماتی را مشـخص کرده اسـت؟ چون در این مرحله کشـف حقیقـت صورت می‌گیرد. طبیعتـا قانون‌گذار برای دفاع از کشـف حقیقت همه اصحاب دعوا را از افشـای آن منع کرده اسـت؛ چون اگر در این مرحله وکیلی با مصاحبه‌کردن مطالبی را افشـا کنند، ممکن اسـت به کشف حقیقت ضربه بزند. نقض محرمانه‌بودن تحقیقات به حق قانون‌گذار دخل می‌کند. مجرم‌بودن جرم است؛ بنابراین هرگز نیاز نیسـت که شما وکیل را کزینشی کنید. محرمانه‌بودن تحقیق دخوش یک ضمانت اجرای خوب است که ما از مرحله ماده ۴۸ برخوردار است.

اصل این منطقی هم نیسـت که هر متهمی در مرحله تحقیقات مقدماتی یک وکیل منتخب داشته باشد و وقتی شما دادگاه رسید وکیل تعیینی‌اش کن؛ از ادامه دچد؛ چون اگر هدف از این تبصره محدودیت دسترسـی وکلا به ستاد و اطلاعات برای باشد، به‌هرحال طبق قانون این پرونده باید در دادگاه در اختیار وکیل تعیینی قرار بگیرد. بنابراین هدف حاصل نمی‌شود.

◆ آقای نقره‌کار، شـما در کمیته حقوق شـکر کانون وکلا حتمـا روزهای بوکاری را این مدت بدسـت‌ گـرداشتید. می‌خواهم از منظر فعالیت‌های شما در این مدت به ماجرای وکلای تبصره ماده ۴۸ نگاه کنیم. اینکه این تبصره چه رابطه‌ای با حقوق بشر و حقوق اساسی انسان دارد؟

صالح نقره‌کار: در«خصوص حقوق «حق دفاع» با موضوع «امنیت انسـانی» و «امنیت قضائی» موا‌جه هسـتیم، یعنی ما باید به این موضـوع در نظام‌واره حقوق اساسـی بپردازیم؛ چراکه در بحث امنیت قضائی در محاکم اسـت و دیگری درست در برابر نهـاد قدرت و حکمرانی. هرکدام از این دو سـاحت، ضرورت‌ها و پیش‌نیازهایی دارند. اول کسی که در مورد امنیت انسـانی، یعنی امنیت شهروند در برابر حاکمیت، نهاد قدرت اشاره را به عنوان «اعضا اقتدار» در بند دوم ماده ۱۳۹۴ اشـاره کرد؛ اعضا شـهروندان را با یک بیارد و امنیت اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سـایر شـئون زندگی شهروندان را تأمین کند. به نوعی این کاربسـت اعمـال قدرت و اماکنانی که در اختیار نهاد عمومی اسـت. برای جرم عمومـی و مواقع همگانی باید به کار گرفته شـود. آن چیز، شـهروند یک بعد امنیت انسانی داشته باشد. اما درباره محاکم هم این موضوع مطرح اسـت که شـهروند باید از امکان دفاع خودش به شـیوه استاندارد و شایسته استفاده کند تا در وضعیتی قرار نگیرد که اعمال قدرت زمینه‌ای برای تضییع حقوق او بیاید. این اسـت تبصره زمینه‌ای را ایجاد کرده که به اسم امنیت عمومی، در جهم محاکمی با حقوق حاکمیتی و برخلاف اصل ۱۰ قانون اساسـی که می‌گوید هیچ‌گونه مقرره و موضوع‌های نباید زمینه‌ای برای سلب حق شهروندان باشد، این اتفاق رخ داده است. مهم‌ترین بخش این ماجرا هم این است که این موضوع برخلاف ماده ۱۲ اصل سـوم قانون اساسـی و خلاف بند «ب» ماده ۱۵۶ قانون اساسـی کـه وظایف قوه قضائیه را در حمایت از حقوق شـهروندان و احیای حقوق عامه و گسـترش آزادی مشـروع توصیف کرده، زمینه‌هایی را برای سلب حق شـهروندان فراهم کرده است. ما در دادگاه‌های وقایع اخیر به استمرار با تمامی‌های تلفنی و مراجعات شـهروندان به اتحادیه با سایت اتحادیه با کارگروه حقوق بشـر اتحادیه موا‌جه هستیم که می‌بینیم مردم با وضعیتی شکننده در حق‌ناشان مواجه شـده‌اند. در این ماجرا، به‌ویژه محاکم شهرستان‌ها که شمار در تبریس رسـانه‌ها قرار دارند، وکلا نمی‌توانند از پرونده‌های امنیتی دفاع کنند و تا اسم یک پرونده امنیتی در حوزه کاری‌شان به میان می‌آید، برخورد با آن می‌تواند از متهم دفاع کند. وقتی یک وکیل مستقل از این اقتدار برخوردار باشد که بکوید برخلاف ماده ۳۶ قانون دادرسـی کیفری شـما یـک کردش کاری از این پرونـده ایجاد کردی یا اعمال زندان انفرادی انجـام دادی یا متهم را در وضعیتی قرار دادی که او مجبور شده اظهاراتی انجام دهد که این اظهارات برخلاف اصول هم می‌تواند تأیید کند. به نظر من با این دو ماده قانون آیین دادرسـی کیفری سـال ۱۳۹۲ نیاز به این تبصره نداشتیم.

مهـدی ناجی‌زواره: به نظر مـن هم قانون‌گذار ابزار مناسـبی در اختیار قاضی جریان پرونده‌های امنیتی حق انتخاب وکیل ندارند. این مسـئله در شورای نگهبان هم مطرح هسـتیم که تفاوتی قانون‌ناپذیر شـما شفاهی شورای نگهبان را هم بگیرید. بعدها نامه شریعتی‌پور آن هم از سوی شورای نگهبان اعلام می‌شود.

در مجموع می‌خواهم بگویم که این غیرشـرعی دانسـتن محدودکردن حق انتخاب موکل هم مسـئله‌ی زیسـراختی بر نبنای نظری مسئله حقوقی ما دارد و هم اینکه در رویه شـورای نگهبان و مجالس قانون‌گذاری هم این موضوع مطرح شده اسـت. حتی الان می‌بینیم که معاون اول قوه قضائیه آن را تنگ قوه قضائیه می‌داند.

◆ به کارشناس‌هایی که به دوست شما در کمیته حقوق بشر رسیده اشاره کردید. در این گزارش‌ها اشاره‌ای به کیفیت دفاع وکلای تبصره ۴۸ از متهمان شده؟

صالح نقره‌کار: در مقام تحلیل ما یک تحلیل جامعه اکراه به صورت پیمایشی انجام گرفته که این مسـئله نیازمند یک درصد مورد مورد اسـت؛ تا همه اینها در یک جامعه آماری روش تحلیل شود. این مطلوب است برای کسی که بخواهد قضاوتی دقیق یا تحلیلی صحیح از یک وضعیت، در اینجا وضعیت دسترسی متهمان وقایع اخیر به وکیل و کیفیت آن اراکه شد که در اینجا ما از این جامعه آماری برخوردار نیسـتیم. آنچه به ما می‌رسد گزارش‌هایی اسـت که همکاران وکیل‌مان از پرونده‌ها به ما می‌رسـانند یا به‌صورت مسـتقیما ما را در جریان قرار می‌دهند. من با یک تحلیل غیرآماری و پیامیـنـه بـه صـورت اجمالی بیان می‌کنم طبیعی اسـت که وکیلی بخواهد مشـورت خودش را به دادگاهی که پرونده را به او ارجاع داده حفظ کند. بعضا بر اساس گزارش‌های رسیده به ما اقدامتی انجام می‌دهد که به صلاح موکل نیسـت. در گزارش‌هایی ما دیده‌ایم که وکیل تبصره که توکیلم به برای مورد دیگر به در پرونده دیگری که حکم اعدام بوده، به موکل گفته که تو نشیدن باید شو و من با قاضی صحبت می‌کنم. اینها پدیده‌هایی است که در مقام نشیدن شاید این احکام صادر شود. بهانه‌ای هم که مطرح می‌شـود چیسـت؟ اینکه متهم‌ها به پرونده بمـیدارری داریم و در این پرونده مثلا نقشـه قتل ساختمان امنیتی وجود دارد که وکیل باید بیاید تا با یک‌سری سد بکاهی سری در این پرونده وجود دارد. این مسـئله بهانه مبنایی می‌شـود که مجلس را قانع کند که علیرغم نظر بار رشدنی در شورای نگهبان این تبصره را تصویب کنند. البته این مسـئله در ایران فقط نیسـت. در پرونده‌های بازداشـت سیتامبر هم چنین مشکلاتی وجود داشت ولی مسئله این اسـت که نظام قضائی آمریکا این را فهمیده که مفسده این کار خیلی بیشـتر از آن اسـت که یک سند توسـط یک وکیل دیده شود و دوسـت اصلاحش برآمد. در ایران اما اتفاقی که رخ داده این اسـت که علیرغم زیربنایی که در فقه و همچنین قوانین اساسی داریم و با مبانی که در بنیان حقوقی شـهروندان داریم، فعلی قوه قضائیه که این مسئله را مانیه نکند گوه می‌دانند اما همچنان شاهد این هسـتیم که در کوچکترین مسـئوولین و پروندههایی که رخ می‌دهد، اولین واکنش قوه قضائیه این اسـت که تبصره ۴۸ را اعمال کنیم تا هر وکیلی اجازه پیدا نکند در پرونده حضور داشـته باشـد. تلقی جریانی مسـئولین ما از حضور وکیلا مراحمت است.

خروجی این سیستم چیست؟ در چنین موقعیتی مثل این روزها که تعداد زیادی پرونده با این شـرایط ایجاد می‌شـود، یک عده می‌شـوند لیست منحصر و کسـانی که امتیاز خاص در این پروندهها دارند. وقتی شـما در کشـور یک جامعه ۷۰ هزار نفری از وکلا را دارید و لیسـت منحصـر شـما صدفری اسـت شفاهی است که در حاشـیه‌اش یک سـری افراد سـوجه به صورت افتمراری به وجود بیاید که شبکه فساد حاشـیه‌ای اسـت تلقی نمـی‌شـود. برای این لیست در پروندههای فساد اقتصادی یک رانت اقتصادی هم شـکل گرفته شـد که حق‌الوکاله‌های سـنگین دریافت می‌کردند. این مسـئله الان کلیه وکلا را که در پرونده‌ها از بین رفته ولی به هر روی این انحصار چنین وضعیتی را ایجاد کرده بود. در طرف دیگر هم مردم مستأصلی را داریم که به خاطر بازداشت فرزندانشان و عدم اطلاع از سازوکارهای قانونی اعلام می‌کند این مسـئله مورد سـوءاستفاده واقع می‌شود. مواردی دیده شده که دلال‌هایی به این خانواده‌ها وصل شـدند و وعده دادنـد در ازای دریافت پول اطلاعات پرونده را برای ما‌نیه به دسـت می‌آورند یا حتی جریانی پرونده را عوض می‌کنند. نمی‌گویم این ادعاها به دسـتگاه قضا مربوط اسـت بلکه می‌گویم وجود این لیست انحصاری چنین وضعیتی را پدید آورده است.

اتفاقاتی را داریم می‌بینیم که خیرتانگیز اسـت. هم شـان دستگاه قضائی را مخـدوش می‌کند و هم خرده‌اعتمـادی که مردم به نهاد وکالـت دارند را از بین می‌برد. همچنین قضایی را می‌سـازد که در نهایت بـه ناامیدی از عدالت منتهی می‌شود.

من از وکلای تبصره ۴۸ عملکرد فوق‌العاده عالی دیدم. یعنی وکیلی را دیدم که در منطقه‌ای که مردم دسترسـی به وکیل دیگری نداشتند بدون قرارداد در پرونده حاضر شـده و دفاع شکوهمندانه‌ای هم از متهم به عمل آورده. از سوی دیگر هم وکیل تبصره چهل‌وهشـتی دیگری را هم دیـدم که حداقل پنج لایحه او برای پنج متهم را بررسی کردم و شاید به سختی در هر لایحه فقط یک بارافراف تغییر کرده باشد و بقیه لایحه یک الکویی بود که تکرار شده است.

◆ نسبت تبصره ماده ۴۸ با استقلال وکیل و نهاد وکالت چیست؟

سـیدمهدی حجتی: من کاهی در مصاحبه‌هـای مطبوعاتی که در قوه قضائیه صـورت می‌گیرد، می‌شـنوم که اسـتقلال وکیل و اسـتقلال کانـون وکلا دو امر مجزاسـت. ما به اسـتقلال وکیل اذعان داریم و وکیل باید مسـتقل باشد، اما نهاد متبوعش نیاز نیسـت مستقل باشد. این اسـتدلال نادرستی است؛ چراکه باید یک رابطه لازم و ملزومی بین اسـتقلال وکیل و نهاد صادرکننده پروانه وکالتش وجود داشـته باشـد. یعنی اصولا وکیلی که پروانه‌اش را از یک نهاد مسـتقل دریافت می‌کند، می‌تواند یک وکیل مسـتقل باشـد. اگر پروانه خودم را از یک نهاد وابسته به حاکمیت بگیرم، طبیعتا مسـتقل نیسـتم. درباره تبصره ماده ۴۸، یک بُعد قضیه این اسـت که آیا دخالت مراجع قضائی در نحوه دفاع می‌تواند ناقض اسـتقلال باشـد؟ طبعا همین‌طور اسـت و چنین اتفاقی رخ می‌دهد. یکـی از مؤلفه‌های اسـتقلال وکیل، استقلال در دفاع است. اینکه هیچ نهادی نتواند وکیل را مستقیم یا غیرمسـتقیم در نحوه دفاعش راهنمایی کند یا مجبورش کند که به چه شکلی دفاع کند. گاهی این مسـئله مسـتقیم به وکیل گفته می‌شـود که شما در دادگاه ایـن کار را انجام بده و ایـن کار را انجام نده و... اگر چنین مسـئله‌ای رخ بدهد، به‌صراحت نقض اسـتقلال وکیل رخ داده است. گاهی اوقات هـم وکیل بنا بر فشـارهایی که احساس می‌کند در موضوع وجود دارد یا منافعی که ممکن است برای او در پی قرارگرفتن در فهرست تبصره ۴۸ وجود داشته باشد، در مسیری گام برمی‌دارد که استقلالش نقض می‌شود. آقای رئیسیان به منافع مالی زیادی که در این زمینه در جریان است، اشاره کرد و حق‌الوکاله‌های میلیاردی که در پرونده‌های مفاسـد اقتصادی دریافت شد. منتـا و بستر حق‌الوکاله میلیاردی، تبصره ماده ۴۸ بود کـه در پرونده‌های اقتصادی رخ داد. طبیعتا وقتی منافع من وکیل قرارگرفتن در این فهرسـت باشـد، به صورت غیرمسـتقیم اسـتقلالم نقض می‌شود؛ چراکه وکیـل در این فرایند طوری دفاع می‌کند که مرجع قضائی از او خوشـش بیاید یا حداقل اصطکاکی بین‌شـان به وجود نیاید که منجر به خروج از این فهرسـت و ازدسـت‌دادن منافع شود. حالا شـما فرض کنید که چنین فهرستی داشته باشیم که اسـتقلال خود وکیل را زیر سـؤال ببرد و از سـوی دیگر نهاد مرجع وکیل هم مسـتقل نباشـد؛ آن‌وقت دیگر چه اتفاقی قرار اسـت رخ بدهد؟ یعنی حتی اگر در یک زمینه‌ای دادگاه هم با وکیل کاری نداشـته باشد، وجود این پیش‌زمینه که نحـوه دفاع وکیل منجر به ایجاد تنش بین او و نهـاد صادرکننده پروانه وکالتش شـود، موجب می‌شـود کیفیت دفاع او تغییر کند. حتی ممکن اسـت خیلی‌ها به کاملا متفاوت دادشـتند. ضابط باید مستقل باشد. تحت نظامات باشد. حقوق بشر و شهروندی را رعایت کند. غیر از موضوع ضابط، ما با موضوع «دادستان» هم مواجه هسـتیم. دادسـتان در کنار ضابط یکی از چهار رکن دادرسـی منصفانه است. اگر مستقل نباشد و به نیابت از عموم به‌عنوان مدعی‌العموم وارد نشود و پایشگر خبر عمومی نباشد آن کیفیت لازم اقدامات دادستان زیر سؤال می‌رود. اینجا در چینش و مهندسی کارگزاران قضائی به این دو مسئله هم تنها بسنده نکرده و می‌گوید که قاضی هم باید در اسـتقلال کامل باشـد. قاضی نباید به‌هیچ‌وجه به یکی از ارکان دعوا نزدیک باشد. قاضی باید کاملا با رعایت اصل بی‌طرفی و بدون جانبداری و در کمال اسـتقلال مطلق وارد دادرسی شود. در کنار این سه رکن توصیف‌شده، وکیل هم یکی از ارکان دسترسـی به عدالت و تضمین دادرسـی عادلانه است. هرگونه مقرره یا موضوعه‌ای که زمینه‌های نقض این استقلال را فراهم کند، موجب نقض حق می‌شـود. بنابراین من فکر می‌کنم کانون‌های وکلای دادگستری سراسر کشور هم نباید با این موضوع همراهی داشـته باشند که فهرستی از اعضا را اعلام کنند یا خودشـان داوطلبانه وارد این وضعیت بشوند. این موضوع خلاف قانون اساسی اسـت و اراده حکیم قانون اساسی بر این استوار است که حق را ذیل حقوق ملت قرار دهد و برای همین این تبصره باید حذف شود تا نقض حق صورت نگیرد.

◆ اقدام حقوقی برای ابطال این تبصره صورت گرفته است؟

صالـح نقره‌کار: بله، از زمانی که اعتراضات شـروع شـده، حداقـل چهار نامه از سـوی اتحادیه کانون‌های وکلای دادگسـتری خطاب به ریاسـت قوه قضائیه، ریاست مجلس شـورای اسلامی و ریاسـت محترم جمهوری به اعتبار اصل ۱۱۳ قانون اساسـی ارسال شده اسـت. در این نامه اشاره شده که ما به‌عنوان کسانی که باید پاسـدار حکومت قانون باشـیم، این اندار و تذکر را می‌دهیم که این موضوعه برخلاف حقوق اساسـی شهروندان اسـت و گزارش‌هایی هم که به ما داده شده، دلالت بر این دارد که این نقض حق صورت گرفته اسـت. وکلا هم این دیده‌بانی و پاسداری از حقوق ملت را داشـته‌اند و در گزارش‌های‌شان هم اظهار کرده‌اند که با رعایت اصول مربوط به حق دفاع و اسـتانداردهای جهانی حق دفاع هست که می‌توانیم امیدوار باشیم عدالت قضائی محقق شود.

سـیدمهدی حجتی: البته مـن یادآوری کنـم که در مجلس دهم کمیسـیون حقوقـی و قضائی مجلس تصویب کرد که این تبصره حذف شـود؛ اما چون عمر مجلسـی تمام شـد، دیگر این ماجرا ادامـه روندش را طی نکرد؛ بنابراین سـابقه دارد کـه مجلس هم برای حـذف این تبصره تلاش کرده باشـد؛ اما فرصت برای نهایی‌کردنش رخ نداد.

امیررئیسیان: یکی از مشـکلاتی که ما داریم، لوث‌شدن همه امورات اصلاحی اسـت؛ یعنی پدیده‌ای اتفاق می‌افتد و همه متوجه می‌شوند که ایراد دارد و پدیده بـدی اسـت و همه می‌خواهیم آن را اصـل